



دیدگاه

همان تاکیکاردی است و بر اثر ترشح بیش از حد اپی نفرین و به دنبال استرس ایجاد می شود. مادر زیر لب دعا می خواند تا آن را با چشمانش بدرقه راهم کند. هر چه به محل برگزاری کنکور نزدیکتر می شدم تعداد نفراتی که به هم می پیوستند و به سمت در ورودی می رفتند بیشتر می شد. بالاخره ساعت موعود فرا رسید. در همان لحظه اول تمامی سال های گذشته از جلوی چشمانم گذشت. شب بیداری ها، پیاده تا کلاس رفتن ها، چهره

سلام به همه داروسازان؛
به بار نشستن حرکتی آرام باعث شد تا سال های دور را به خاطر آورم: تیغ آفتاب تاریکی را می شکافت که با دعای زیر لب مادر از زیر قرآن رد شدم، بوسه ای بر آن زدم و تمام امیدم را که ۱۲ سال مدرسه رفتن و آموختن بود در چمدان ذهنم گذاشتم و به سمت محل برگزاری کنکور روانه شدم. صدای قلبم را در شریان های گردنم می شنیدم که به تندی می تپید، بعدها دانستم که

وزیر و هر معاون تغییر می‌یافت و هیچ وقت ثابت نشد تا بدانیم در این گردونه کجا ایستاده‌ایم!! آن هم گذشت تا در شهر ما و با تلاش گروهی که درمانگاه خیریه‌ای تاسیس کرده بودند و سال‌ها به دنبال گرفتن مجوز تاسیس داروخانه از این معاونت به آن معاونت مکاتبه می‌کردند مجوز تاسیس داده شد و در جلوی چشمان بهت‌زده داروسازان به راحتی مجوز فعالیت داروخانه‌ای را که تاسیس هم شده بود و فقط مشکل رسمیت یافتن داشت حل شد. حرکتی آرام و خزانده که بعد از مدتی کمتر از سال‌های سخت تحصیل، به بار نشست.

عده‌ای جمع شدند و به این حرکت که همه آن سال‌ها را لگدمال می‌کند اعتراض کردند که متن آن را در زیر مشاهده می‌کنید! شاید تلنگری باشد بر دانش‌آموختگان و مدیران وزارت بهداشت و درمان و ...

راستی بالاخره علم بهتر است یا ثروت؟؟!

دکتر: ع - ح

مضطرب مادرم که گویی ثمره دوران جوانیش کم کم به بار می‌نشست و نگران آفت‌زدنش می‌شد. همه و همه به سرعت برق گذشت. برای یک لحظه تمام آنچه خوانده بودم از ذهنم گریخت، ترسیده بودم، ابتدای جلسه به سختی و سپس با آرامش بیشتر به جواب دادن سوال‌ها پرداختم، امتحان در یک کفه و انتظار جواب در کفه دیگر بود که حتی سنگین‌تر می‌نمود. ۳ - ۲ ماه بعد پاسخ را گرفتم، داروسازان دانشگاه ... خستگی آن سال‌ها بدر رفت. اندکی بعد دیدم که تازه اول راه است و همان که حافظ گفت: «عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها»

گذشت، همه آن سال‌ها گذشت و رسید به زمان فارغ‌التحصیلی و لحظه پرشکوه و پراضطراب دفاع از پایان‌نامه؛ آن هم گذشت مثل سال‌های قبل و رسید به جستجوی کار و طرح و سربازی و ... آن‌ها هم گذشتند تا امید تاسیس داروخانه پس از سال‌ها انتظار قوت گرفت و رسید به مراتب قانونی و جمع کردن امتیاز که هر سال با ورود هر

